**مقدمه دوم:** در این مقدمه کلام در این است که متعلَّق احکام اسم است یا عنوان یا فعل مکلَّف ؟

**مدعا:** مرحوم آخوند معتقد است که متعلَّق احکام عناوین نیستند بلکه معنون ها می­باشند و عناوین مُشیر به معنونات می­باشند.

 مراد ایشان از معنون افعال مکلفین است (ما یصدر عن المکلف متعلَّق احکام است ) و عنوان صلاه مُشیر به این عمل است. لذا قرائت ، رکوع ، سجود و... که در خارج از مکلف صادر می­شود متعلَّق احکام می­باشند یعنی طلب اقم الصلاه است .

**آنگاه دو چیز را صلب می­کند .**

**الف:** متعلَّق احکام اسم فعل نیست یعنی صلاتی اسم برای افعال خاصه است مطلوب مولی نیست بلکه خود آن افعال خاصه مطلوب مولی است.

**ب:** متعلَّق احکام عناوین نمی­باشند .

**سوال:** عنوان چیست؟

**جواب:** عنوان مفهوم انتزاعی است از یک شیء انتزاع می­شود و بر آن شیء حمل می­شود. ما سه قسم عنوان انتزاعی داریم.

**قسم اول:** عنوانی که از ذات انتزاع می­شود و بر ذات حمل می­شود. مانند **الانسان ناطق** کلمه ناطق از خود انسان انتزاع شده و بر خود انسان حمل شده است زیرا ناطق از اجزاء ذاتی انسان است (ذاتی یعنی آنچه قابل حمل است)

**قسم دوم:** عنوانی که خارج از ذات است و بر ذات حمل می­شود. این قسم عناوین را خارج محمول می­گویند. که بر دو قسم است.

**الف:** منشأ این عنوان در خارج وجود دارد و ذهنی صرف نیست. مثال: **الجدارُ ابیض** . در این مثال عنوان أبیض از بیاض انتزاع شده است و بیاض خارج از ذات دیوار است و لذا این عنوان (أبیض) یک عنوان خارج از محمول است و در واقع باید گفت : الجدار البیاض أبیض

**ب:** منشأ این عنوان در خارج وجود ندارد و ذهنی صرف است ( ما به ازاء خارجی ندارد) و کاملا ساخته و پرداخته اعتبارات است خواه ذهنی باشد و خواه غیر ذهنی مانند ملکیَّت ، زوجیَّت ، رقیَّت ، حریَّت و ...

در مباحث فقه و اصول بحث ما از عناوین مربوط به همین قسم اخیر است که ذهنی صرف می­باشند و منشأ خارجی ندارند لذا می­گوییم عنوان های احکام شرعیه انتزاعی هستند و منشأ انتزاع آنها در خارج وجود ندارد بلکه اعتباری محض می­باشند.

**مثال:** عرف این زمین را در تملُّک فلانی اعتبار می­کند و ذهن ما از این أمر عنوان ملکیَّت را انتزاع می­کند. شارع مقدس برای عبدها رق بودن را اعتبار می­کند و ذهن ما از این اعتبار شارع مفهوم رقیَّت را انتزاع می­کند لذا در عناوین منشأ انتزاع اعتباری است زیرا در تکوین انسان انسان است و عبد و آزاد ندارد و این ها ساخته اعتبارات است.

**دلیل:** مرکب غرض و حامل غرض نمی­تواند عناوین باشد زیرا عناوین ذهنی هستند و از منشا اعتباری بر می­خیزند در حالی که حامل غرض باید خارجی باشد آن چه که مقوِّم غرض است باید خارجیَّت داشته باشد در حالی که عنوانهای انتزاعی، ذهنی هستند و نمی­توانند مقوِّم غرض باشند. و احکام الله تابع مصالح و مفاسد است لذا حامل این مصالح افعال مکلف ها است که در ظرف خارج است و آن چه در ظرف خارج است رکوع ، سجود ، قرائت و ... است.

اشکال محقق اصفهانی بر مبنای صاحب کفایه:

**مدعا:** ایشان می­فرماید متعلَّق احکام نمی­تواند وجود خارجی باشد ( ما یصدر عنه فی الخارج قابل تعلُّق طلب نیست)

**دلیل:** أمر نفسانی هرگز به خارج تعلُّق نمی­گیرد. أمر به نماز ، روزه و همچنین نهی از غصب ، شرب خمر و ... همگی اعتباری اند و اعتباری ها متکّی به نفس مُعتبِّر است و از اُمور نفسانی هستند و امور نفسانی قابل تعلُّق به خارج نیست

**به نظر ما این اشکال وارد نیست**

**دلیل:** متعلَّق طلب عنوان مُشیر به خارج است نه اسم و عنوان انتزاعی بلکه آن عنوانی که اشاره به خارج دارد. لذا فعل خارجی مستقیما تحت امر نرفته است تا اینکه اشکال کنید که امر نفسانی قابل تعلُّق به خارج نیست بلکه عنوان صلاه متعلَّق امر و عنوان غصب متعلَّق نهی شده است اما نه هر عنوانی ( عنوان انتزاعی صرف) بلکه آن عنوانی که مُشیر به خارج باشد لذا مرحوم آخوند می­فرماید متعلَّق طلب اسم صلاه یا عنوان انتزاعی صلاه نیست بلکه مایصدر عن المکلف فی الخارج است.

**نکته:** در باب متعلَّق طلب بحث شد که آیا طبیعت من حیث هی هی است یا وجود الطبیعت؟ از آنجا که علمای اصول دیده اند که طبیعت من حیث هی لیست الا هی لا مطلوبهٌ و لا غیر مطلوبه گفته اند که متعلَّق طلب وجود طبیعت است نه خود طبیعت یعنی وجود قرائت ، رکوع ، سجود و ... متعلَّق أمر به صلاه است.

اما در این جا سوالی پیش می­آید و آن اینکه مراد از وجود ، وجود تحقیقی است یا تقدیری است ؟

در مسئله دو قول است.

**قول اول:** برخی از علماء مانند مرحوم آخوند قائل به وجود تحقیقی شده اند یعنی ما یصدر عن المکلف فی الخارج تحت أمر رفته و آن تصرف خارجی تحت نهی لا تغصب رفته است نه ماهیت صلاه یا غصب.

**قول دوم:** برخی از علماء مانند مرحوم اصفهانی و شاگردان ایشان وجود را تقدیری دانسته اند یعنی عقل و ذهن ما چه انسان در خارج باشد چه نباشد می­تواند انسان را به دو جزء حیوان و ناطق تفکیک کند.

 در این جا هم شارع مقدس قبل از اینکه نمازی باشد برای نماز قرائت ، رکوع ، سجود و .. را فرض کرده است سپس به آن امر می­کند لذا آمر به صلاه أمر به وجود تحقیقی قرائت ، رکوع ، سجود نیست زیرا تحصیل حاصل است. اگر به شخصی که در حال خواندن نماز است امر به نماز شود تحصیل حاصل است

لذا منشأ اختلاف قائلین به این دو قول این بحث است که مراد از وجود تقدیری است یا تحقیقی.